

# ایران - امریکا: امکان برقراری روابط مجدد

گزارش از: مارک کتز (Mark N. Katz)

از کنفرانس ماه می تهران

منبع: Iran Almanac ۲۰۰۵ می (۹ خرداد ۱۳۸۴)

برگردان: چشم انداز ایران



اشاره: آقای مارک کتز استاد درسی "دولت و سیاست" در دانشگاه جرج ماسون، به دعوت آقای دکتر عباس ملکی مدیر موسسه بین المللی امور دریای خزر، برای شرکت در کنفرانس ماه می تهران با عنوان "فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و تأثیر آن در کشورهای جهان سوم" به ایران آمد.

وی در طول اقامت خود در ایران علاوه بر سخنرانی در کنفرانس تهران، با موضوع "آیا انقلاب قابل پیش بینی است"، سخنرانی‌ها و ملاقات‌های دیگری نیز به شرح زیر داشته است:

- سخنرانی با موضوع "رابطه ایران - روسیه" در مرکز تحقیقات استراتژیک ایران وابسته به مجمع تشخیص مصلحت نظام.

- سخنرانی در موسسه مطالعات سیاسی و بین المللی وابسته به وزارت امور خارجه.

- نشست خبری با حضور پنج روزنامه نگار داخلی و خبرنگار روزنامه همشهری.

- حضور و سخنرانی در جمعی از روحانیون قم در شهر قم، با موضوع "ایران، انقلاب اسلامی و نظم جهانی".

- حضور و سخنرانی در "مرکز گردآوری متون" با نظارت دفتر نهاد مقام رهبری، در شهر قم.

- حضور و سخنرانی در کلاس‌های دوسم کارشناسی ارشد دکتر ملکی در دانشگاه علوم بین المللی وابسته به وزارت امور خارجه.

آقای کتز در شروع گزارش خود می‌نویسد؛ به جای این که نظر خود را در مورد هر یک از جلسات بگویم، نتیجه‌گیری کلی خود را با عنوان زیر بیان می‌کنم:

دولت بوش: امیدها و نگرانی‌ها، انقلاب‌های دموکراتیک و تأثیر آن بر ایران، مسئله هسته‌ای، درگیری اعراب - اسرائیل، عراق در افغانستان، ظهور اصولگرایان سنی و اثرات آن در ایران، روسیه و اروپا، چشم اندازهای روابط مجدد ایران - امریکا.

برگردان این گزارش را تقدیم خوانندگان می‌کنیم.

\*\*\*

## دولت بوش: امیدها و نگرانی‌ها

ایرانیانی که من با آنها برخورد داشتم با آن که اکثراً سیاست‌های بوش را مورد انتقاد قرار می‌دادند، جنبه‌های خاصی از سیاست‌های خارجی وی را قبول داشتند. آنها به شدت از این گفته بوش بعد از ۱۱ سپتامبر که اسلام را مکتب و مذهب صلح معرفی کرده بود، خرسند بودند. آنها همچنین بوش را به علت گرایش‌های سنتی‌اش تحسین می‌کردند و اقدام وی در اخراج طالبان از افغانستان را که به عقیده روحانیون ایران افرادی بی‌سواد بودند که از اسلام هیچ نمی‌دانستند، تأیید می‌کردند. آنها از بوش به خاطر سرنوشتی صدام حسین و برگزاری انتخابات آزاد در عراق که برای نخستین بار از زمان صدام حسین و دیگر حکومت‌های پیش از وی به جمعیت شیعیه این کشور اجازه حضور در فعالیت‌های سیاسی را داد، قدر دانی می‌کردند.

از طرف دیگر، بیشتر ایرانیانی که با آنها ملاقات کردم، از این سیاست بوش که ایران را به همراه عراق و کره شمالی "محور شرارت" خوانده بود، اظهار ناخشنودی می‌کردند. آنها در مورد عراق با بوش موافق بودند و رفتار

شهرور روزگار ۱۳۸۴

انداز ایران

وحشیانه صدام با شیمه‌های عراق و تجاوز به ایران و کویت را محکوم می‌کردند. همچنین همانند بوش کیم جونگ ایل (Kim Jong Il) را رهبری مستبد می‌دانستند که تهدیدی برای همسایگانش محسوب می‌شود. یکی از تحلیل‌گران ایران معتقد بود سلاح‌های هسته‌ای کره شمالی تهدیدی علیه ایران است. همگی آنها عقیده داشتند که ایران گزینه ممکن است کمبودهایی داشته باشد اما در هر صورت جامعه‌ای متمدن است. جمهوری اسلامی ایران هیچ وجه مشترکی با این دو رژیم مستبد ندارد و بسیار معجب بودند که چرا دولت بوش نمی‌تواند این تفاوت را درک کند. در واقع، آنها می‌گفتند بوش به خوبی این مسئله را درک می‌کند، ولی یگمان دانستن ایران با عراق و کره شمالی به عنوان "محور شرارت" تنها در راستای هدف بوش مبتنی بر "تغییر رژیم" در ایران صورت می‌گیرد.

برخی از ایرانیان دولت بوش را رژیمی انقلابی می‌دانستند که فعلاً نه در صدد است تا شیوه انقلابی خود را به دیگر کشورها منتقل کند. آنها معتقد بودند دولت بوش نیز همانند ایران، به زودی خواهد فهمید که القاکردن تفکرات انقلابی خود به دیگران کار بسیار دشواری است و بوش و جانشینانش در نهایت از انجام چنین کاری منصرف خواهند شد. ایرانیان همچنین احساس می‌کنند نمی‌توانند سیاست خارجی بوش را تغییر دهند. این نظرات انتقادآمیز از دولت بوش باید مورد تحلیل و بررسی دقیق قرار گیرد. من شاهد انتقاد شدید ایرانیان از دولت‌های پیش از بوش نیز بوده‌ام. ایرانیان هنوز از نقش آمریکا در برکناری دولت مصدق در سال ۱۹۵۳ ناخشنودند. هنگامی که به آنها گفتم دولت ایران نیز در این پیشامد نقش بسزایی داشته و واکنش آنها انکار و حتی تمسخر بود.

دکتر ملکی از من پرسید چرا واکنش آمریکا به انقلاب اسلامی ۱۳۵۷ ایران تا این اندازه منفی بود اما در برابر انقلاب مارکسیست‌ها در سال ۱۳۷۸ در افغانستان چنین واکنش شدیدی را از خود نشان نداد. ایرانیان معتقدند دولت آمریکا چندین دهه است که چنین برخوردهای خصمانه‌ای با ایران را در دستور کار خود قرار داده است. هنگامی که به آنها گفتم آمریکا هنوز از محاصره سفارتخانه خود در سال ۱۳۷۹ در ایران و حادثه گروگانگیری پس از آن ناخوشنودند. آنها پاسخ دادند که این اقدامات تنها واکنشی طبیعی به سیاست خصمانه آمریکا در قبال ایران بوده است و اختیاراتی که آمریکا از چنین برخوردهایی از جانب ایران متحمل شده خیلی کمتر از خسارت‌هایی بود که ایران از سیاست‌های آمریکا دیده است.

به‌ظاهر ایرانیان می‌خواهند آمریکا بویژه دولت آمریکا نظرات آنها در مورد روابط گذشته ایران و آمریکا را قبول داشته باشد.

### انقلاب‌های دموکراتیک و تأثیرات آن بر ایران

به نظر می‌رسد موج اخیر انقلاب‌های دموکراتیک در اتحاد جماهیر شوروی سابق و دیگر نقاط جهان، بیش از حوادث دیگر از قبیل حضور نظامیان آمریکا در کشورهای همسایه نظیر عراق و افغانستان موجب نگرانی مقامات دولتی این کشور شده است. از نظر بسیاری از ایرانیان محرک اصلی انقلاب‌های دموکراتیک در گرجستان، اوکراین و قرقیزستان و عامل اصلی جنبش‌هایی که منجر به خروج نیروهای سوریه از لبنان شد، آمریکا بوده است. بسیاری از ایرانیانی که با آنها برخورد داشتم نگران این موضوع بودند که آمریکا بخواهد چنین جنبش‌های انقلابی را در ایران نیز به راه بیندازد.

(ناگفته نماند که برخی نیز از این امر راضی بودند)

من تلاش کردم به آنها بفهمانم که عامل اصلی این انقلاب‌ها آمریکا نبوده است. واشنگتن این قدرت را ندارد که هزاران نفر را به خیابان‌ها بکشد و اادار به تظاهرات کند. هر چند که طرف‌های ایرانی من خیلی با این نظر موافق نبودند. از نظر آنها سخنان بوش مبتنی بر برقراری دموکراسی در خاورمیانه موجبات چنین فعالیت‌هایی را فراهم کرده است. برخی نیز گفتند نمی‌توانند دلیل و منطق آمریکا در اتخاذ چنین سیاست‌هایی را درک کنند. درست است که انقلاب دموکراتیک اتحاد جماهیر شوروی منجر به شکل‌گیری دولت‌های حامی آمریکا شد، اما چنین حرکتی در جهان غرب قطعاً موجب بروز احساسات ضد آمریکایی خواهد شد. هنگامی که در ایران بودم مقامات ایرانی پیشنهاد می‌دادند که تلاش‌های آمریکا در "تحویل" دموکراسی در ایران نتیجه‌ای معکوس خواهد داشت، اما به نظر من انقلابی که از درون نشأت بگیرد خطرناک‌تر از انقلابی است که عامل بیرونی دارد.

### مسئله هسته‌ای

درک تهران از مسئله هسته‌ای کاملاً متفاوت از واشنگتن است. دولت‌مدران آمریکا و دیگر سیاستمداران نگران این موضوع هستند که هدف ایران از ساخت راکتورهای اتمی با همکاری روسیه، غنی‌سازی اورانیوم و ساخت سلاح‌های هسته‌ای باشد که می‌تواند آن را در اختیار گروه‌های مخالف اسرائیل نظیر حزب الله و حماس قرار دهد. از طرف دیگر مقامات ایرانی معتقدند مخالفت‌های واشنگتن با برنامه هسته‌ای ایران کاملاً غیرعادلانه است، زیرا آمریکا با برنامه هسته‌ای هندوستان هیچ مخالفتی نکرده است. واشنگتن همچنین با برنامه هسته‌ای پاکستان نیز مخالفتی نکرده است و این مسئله باعث ناراحتی ایران شده زیرا به نظر آنها دولت پرویز مشرف قدرت مقابله در برابر مقاومت‌های گروه‌های اسلامی را که قصد برکناری وی را دارند، ندارد. از نظر تهران، واشنگتن در برابر تحول هسته‌ای کره شمالی بسیار محتاطانه عمل می‌کند. بنابراین مسئله ایران این است که چرا آمریکا و اسرائیل، ایران را که دارای سلاح‌های هسته‌ای نیست تهدید به حمله نظامی می‌کنند، در حالی که در قبال دولت‌هایی که دارای یک چنین سلاح‌هایی هستند آن قدر محتاطانه تصمیم می‌گیرند؟

ایران می‌گوید بنا به قانون منع گسترش سلاح‌های اتمی، کشورهای اعضا کننده این معاهده می‌توانند دسترسی به انرژی اتمی را دارند، بنابراین دولت‌های ایران از چنین دانشی غیرعادلانه است. از نظر برخی، ایران به هیچ وجه قصد ساخت سلاح‌های هسته‌ای ندارد، اما برخی دیگر معتقدند ممکن است ایران اقدام به چنین کاری بکند. با این حال این گروه نیز نمی‌فهمند که چرا آمریکا سعی دارد برنامه هسته‌ای ایران را خطرناک‌تر از برنامه هسته‌ای پاکستان و کره شمالی جلوه دهد. آنها معتقدند از آنجا که ایران از حملات تلافی‌جویانه آمریکا و اسرائیل به خوبی آگاه است هیچ‌گاه اقدام به حمله هسته‌ای علیه آنها نمی‌کند. آنها می‌گویند هدف ایران از دستیابی به سلاح‌های هسته‌ای افزایش توان نظامی کشور در برابر چنین حملات احتمالی است. هنگامی که گفتم نگرانی آمریکا از برنامه هسته‌ای ایران، مجبزشدن حزب الله و حماس توسط ایران به یک چنین سلاح‌هایی است، طرف‌های ایرانی من به حرف من

### برخی از ایرانیان دولت بوش را

### رژیمی انقلابی می‌دانستند که

### فعلاً نه در صدد است تا شیوه

### انقلابی خود را به دیگر کشورها

### منتقل کند. آنها معتقد بودند دولت

### بوش نیز همانند ایران، به زودی

### خواهد فهمید که القاکردن

### تفکرات انقلابی خود به دیگران کار

### بسیار دشواری است و بوش و

### جانشینانش در نهایت از انجام

### چنین کاری منصرف

### خواهند شد

تغییر رژیم

انقلاب‌های دموکراتیک

خندیدند. آنها می‌گویند ایران قادر به کنترل این دو گروه نیست، ولی چنانچه این گروه‌ها حملات هسته‌ای علیه اسرائیل انجام دهند در هر صورت ایران مقصر شناخته خواهد شد.

### درگیری اعراب - اسرائیل

سیاست و موضع ایران در قبال درگیری اعراب - اسرائیل آن چیزی نیست که واشنگتن تصور می‌کند. اسرائیل و آمریکا ادعا می‌کنند که ایران با ایجاد مانع در روند صلح اعراب - اسرائیل مانع از به نتیجه رسیدن تلاش‌های صلح طلبانه می‌شود و این نکته را به طور ضمنی القا می‌کنند که ایران مخالف صلح است و هدفش از این کار تضعیف اسرائیل است. در مقابل، ایرانیان معتقدند که سران کشورشان از جمله "رهبر معظم جمهوری اسلامی ایران آیت‌الله خامنه‌ای" هر شرایطی را که فلسطینیان بپذیرند خواهند پذیرفت. پژوهشگران ایرانی حاضر در جلسه از من پرسیدند چرا آمریکا این موضوع را درک نمی‌کند؟ و چرا واشنگتن نمی‌خواهد بفهمد که بیابانه‌های انتقادآمیز ایران از روند صلح ربعی به سیاست ایران در قبال مسئله اعراب - فلسطین ندارد، و چرا عدم مداخله جمهوری اسلامی در برخی مسائل از جانب القاعده و دیگر مسلمانان سنی، حرکتی غیراسلامی تلقی می‌شود؟

### عراق و افغانستان

همان‌طور که قبلاً گفتم، ایرانیانی که با آنها ملاقات داشتم موافق سیاست‌های بوش در قبال این دو کشور بودند. در واقع آنها خود را با آمریکا در رابطه با این دو کشور هم عقیده می‌دیدند: طرفداران دولت‌های میانه‌روی منتخب مردم مخالف با سنی‌های تندرو (گروه‌های مذهبی افغانستان و گروه‌های مذهبی و غیرمذهبی عراق) دوسد به دست آوردن مجدد قدرت با توسل به زور و خشونت هستند. ایران در پیشبرد برنامه‌های آمریکا در این دو کشور همکاری‌های سیاسی با دولت آمریکا داشته است. به عقیده بسیاری از ایرانیان، ایران و آمریکا در این مسئله با یکدیگر متحد بودند. اما برخلاف تهران، واشنگتن چنین اظهاراتی را قبول ندارد. ایرانیانی که با آنها ملاقات داشتم خواهان این بودند که آمریکا به‌طور علنی اعلام کند که در مسئله عراق و افغانستان از همکاری‌های ایران بهره‌مند بوده است.

با این حال، ایران نسبت به برنامه صلح طولانی مدت در افغانستان خوش بین است. از نظر ایرانیان افغانستان کشوری غیرمتمدن و حتی وحشی است و مردم آن همیشه در حال جنگ‌اند. آنها به واکنش شدید ضد آمریکایی مردم افغانستان به گزارش‌های حاکی از بی‌حرمتی نظامیان آمریکا به قرآن مقدس در زندان گوانتانامو اشاره کردند و گفتند این واکنش شدید در حالی بود که آمریکا، افغانستان را از دست طالبان آزاد کرده بود. (آنها گفتند در ایران با چنین واکنشی در برابر این گزارش‌ها رویه‌رو نشدیم.) ایران همچنین نسبت به مسئله عراق نیز بدبین است، اما به دلایلی دیگر. آنها معتقدند اگر گروه‌های مخالف سنی در این کشور شکست بخورند، عراقی‌های شیعه بیشتر از گذشته به نیروهای نظامی خواهند پیوست. ایرانیان حاضر در کنفرانس از احترامی که آمریکایی‌ها نسبت به آیت‌الله سیستانی، مرجع عالی‌قدر عراق، از خود نشان داده‌اند اظهار شگفتی کردند. البته این رفتار

آمریکا موجب رنجش خاطر ایرانیان نیز شده بود، آنها می‌گفتند اگر آمریکا می‌تواند نسبت به روحانیون عراق ادب را رعایت کند، چرا چنین رفتاری را با روحانیون ایران ندارد؟ در پاسخ به این ادعا که سیستانی بیش از روحانیون ایران عقاید دموکراتیک دارد، یکی از محققان ایرانی گفت سیستانی می‌خواهد برای خود ولایت فقیه جدیدی تشکیل دهد. طبق اصل ولایت فقیه، رهبر معظم جمهوری اسلامی ایران، آیت‌الله خامنه‌ای، حق رد و تکذیب تصمیم دیگر رهبران منتخب را دارد.

ایرانیان به‌طور کلی معتقدند اگر آمریکا و ایران بر سر مسئله عراق و افغانستان با یکدیگر همکاری کنند همه چیز به خوبی پیش خواهد رفت. بسیاری از ایرانیان می‌گویند تهران حاضر به انجام چنین همکاری‌هایی است، این واشنگتن است که مخالفت می‌کند.

### ظهور اصول‌گرایان سنی و اعراب آن در ایران

ظهور اصول‌گرایان سنی یا Salafism، یونانی منی‌های تلبس و نامی که ایرانیان بر آنها نهادند، موجبات نگرانی ایران را فراهم کرده است. ایرانیان می‌دانند که تندروهای سنی به همان اندازه که مخالف سیاست‌های غرب هستند مخالف مسلمانان شیعه نیز هستند. به نظر ایران، به‌علت رسیدن این گروه در عراق، به اندازه طالبان برای ایران تهدیدآمیز است. در واقع، اصلاً نباید شرایط به قدری رسیدن آنها فراهم شود چه برسد به این که اجازه داد تبدیل به تهدید شوند. از نظر ایران، سنی‌های افراطی هم برای ایران و هم برای آمریکا تهدیدی بزرگ به‌شمار می‌آیند. طرف‌های ایرانی من معتقد بودند که آمریکا به جای این که علیه این تهدید با ایران همکاری کند از دولت‌های سنی نظیر عربستان سعودی و پاکستان که حامی این گروه‌ها هستند، حمایت می‌کند. روحانیونی که در قم با آنها مذاکره داشتم کاملاً با بنکار بردن عنوان "اصول‌گرا" برای آنها مخالف بودند. از نظر آنها طرفداران گروه‌های شیعه، مسلمانانی آزاد، نواندیش و ترقی‌خواه هستند. واشنگتن هیچ‌گاه حاضر به همکاری با مسلمانان شیعه که همیشه در گفتار خود صداقت پیشه کرده‌اند نیست و در عوض حامی دولت‌هایی است که با ریاکاری و دورویی از اصول‌گرایان سنی که علیه منافع آمریکا اقدام می‌کنند، حمایت می‌کنند. آمریکا چرا این‌گونه رفتار می‌کند؟ به نظر آنها علت این‌گونه رفتارهای آمریکا نفوذ اسرائیل و یهودیان نیست، بلکه دلیل اصلی عدم شناخت آگاهانه آمریکا از ایران و در کل جهان اسلام است.

آنها معتقدند تا زمانی که آمریکا به حمایت خود از دولت‌های حامی اصول‌گرایان سنی ادامه دهد، اوضاع به نفع ایران و آمریکا نخواهد بود و در واقع نتیجه این امر برای ایران سنگین تر است تا آمریکا، زیرا آمریکایی‌ها می‌توانند خار و نهاله را ترک کنند ولی ایران نمی‌تواند.

به نظر می‌رسد موج اخیر انقلاب‌های دموکراتیک در اتحاد جماهیر شوروی سابق و دیگر نقاط جهان، بیش از حوادث دیگر از قبیل حضور نظامیان آمریکا در کشورهای همسایه نظیر عراق و افغانستان موجب نگرانی مقامات دولتی این کشور شده است. از نظر بسیاری از ایرانیان محرک اصلی انقلاب‌های دموکراتیک در گرجستان، اوکراین و قزلیزستان و عامل اصلی جنبش‌هایی که منجر به خروج نیروهای سوریه از لبنان شد، آمریکا بوده است

**روسیه و اروپا**  
در سخنرانی خود راجع به روابط ایران - روسیه در مرکز مطالعات استراتژیک ایران و سازمان IPIS به این نکته اشاره کردم که با این‌که روسیه و ایران منافع و نقطه نظرات مشترکی دارند (از جمله تلاش برای کاهش نفوذ آمریکا و ترکیه در منطقه، مخالفت با تجزیه یمن، عدم موافقت با پروژه خط لوله باکو - جیحان یا حمایت آمریکا که از ایران و روسیه نیز می‌گذرد و تمایل روسیه برای ادامه ساخت پایگاه‌های هسته‌ای در ایران) این دو کشور اختلاف نظرهای شدیدی نیز با یکدیگر دارند. (از جمله

شهرت: مهر ۱۳۸۴  
عراق ایران  
۳۳۴

اختلاف نظر بر سر تقسیم مناطق دریای خزر و چگونگی صادرات نفت حاصل از آن مناطق، اختلاف نظر بر سر مسئله اعراب - اسرائیل، نگرانی‌های هر یک از طرفین در مورد روابط کنونی و آتی طرف مقابل با امریکا). هر چند که دو طرف به ایجاد روابطی مستحکم با یکدیگر تأکید دارند، اما روابط ایران - روسیه هیچ‌گاه واقعاً مستحکم نبوده است زیرا هیچ‌یک از آنها حاضر نیستند به خاطر دیگری از منافع خود بگذرند.

از نظر ایرانیانی که اظهارات مرا در این باره شنیدند، دیدگاه من نسبت به روابط ایران - روسیه بسیار خوشبینانه بود. دید آنها نسبت به این مسئله تا حدی منفی‌گرایانه بود. هر چند که دولت ایران سعی در ترک سیاست‌های پوتین در قبال چین داشته است و با این که جمعیت چین نیز مانند ایران مسلمان هستند هیچ‌گاه از استقلال آنها حمایت نکرده است، اما پژوهشگران ایرانی حاضر در جلسه در کل از سیاست پوتین نسبت به چین و مسلمانان ناراحت بودند. آنها همچنین از رد درخواست اخیر گروه‌های از یک مخالف مسکو مبنی بر کنتر گذاشتن اختلاف‌ها و سازش ایلدک با رژیم ازبکستان، توسط پوتین نازامی بودند. سیاست‌های پوتین در قبال مسلمانان اتحاد جماهیر شوروی موجب تحریک گروه‌های مخالف می‌شود و نتایجی را در بر خواهد داشت که مسکو قادر به کنترل آن نخواهد بود. علیرغم اداهای مسکو مبنی بر روابط دوستانه با ایران، بیشتر ایرانیان حاضر در جلسه می‌گفتند فکر نمی‌کنند مسکو در مواقع واقعاً ضروری به کمک ایران بشتابد.

نظر ایرانیان در رابطه با اروپا تا حدی مثبت و خوشبینانه بود. از نظر آنها اروپا طرف تجاری مهمی در معاملات بازرگانی ایران محسوب می‌شود. تا چندی پیش انگلستان، فرانسه و آلمان در قبال مخالفت‌های امریکا با برنامه هسته‌ای ایران تا حدی از ایران پشتیبانی می‌کردند اما اخیراً این سه کشور از پشتیبانی خود از ایران کاسته‌اند و این امر موجب کاهش اعتبار آنها در این کشور شده است. سیاست عدم مداخله‌ای که اروپا اتخاذ کرده، ایرانیان را بر آن داشته تا معتقد باشند که اروپا در مواقع بحرانی به ایران کمک نخواهد کرد.

برخی از ایرانیان حاضر در جلسه به طور خصوصی به من گفتند که از انتقادات اروپا از امریکا به دلیل مداخله در امور عراق خرسند نیستند زیرا این امر نشان می‌دهد که برخلاف امریکا، اروپا با سرکوبی اکثریت مسلمانان شیعه عراق توسط صدام حسین و پسرانش موافق است.

### چشم‌اندازهای روابط مجدد ایران - امریکا

علیرغم تمامی اختلاف‌نظرهای ایران و امریکا، ایرانیانی که من با آنها برخورد داشتم معتقد بودند امریکا تنها کشوری است که می‌تواند در برابر اصول‌گرایان سنی و دیگر مخالفان از ایران حمایت کند. البته اگر بخواهد. ایرانیان حاضر در جلسه با از سرگیری روابط ایران - امریکا موافق بودند، اما می‌دانستند که به علت اختلاف‌نظرهای شدیدی که میان این دو کشور وجود دارد (به ویژه بر سر مسئله هسته‌ای) و تأکید هر یک از طرفین به مخالفت با از سرگیری این روابط، این امر به زودی محقق نخواهد شد. غرور هر یک از طرفین و سابقه روابط گذشته آنها با یکدیگر نیز یکی دیگر از موانع بهبود روابط ایران - امریکا است.

احساس کردم از نظر بسیاری از ایرانیان، تجدید روابط ایران - امریکا بسیار دشوار و دور از ذهن است و آنها فکر می‌کنند در نهایت ایران به کشوری متزوی در غاوریات تبدیل خواهد شد که همسایگانش همگی سنی خواهند بود و در این شرایط هیچ‌کس حاضر به کمک به ایران نخواهد بود.

البته برخی دیگر به روابط دوستانه و سریع امریکا و چین پس از سال‌ها دشمنی و اختلاف نظر اشاره کردند و گفتند هنگامی که این دو کشور تهدید مشترکی را از جانب روسیه احساس کردند اختلافات حل نشده خود را کنار گذاشتند و به سرعت با یکدیگر رابطه برقرار کردند. آنها به ملاقات رئیس‌جمهور ریچارد نیکسون (Richard Nixon) از پکن پس از چند دهه دشمنی و روابط خصمانه چین - امریکا که موجب حیرت جهانیان شد، اشاره کردند و گفتند پس از آن با اصلاحات دموکراتیکی که صورت گرفت روابط این دو کشور بسیار گسترش یافت.

بسیاری از ایرانیان آنجا امیدوار بودند چنین حادثه‌ای موجب بهبود روابط ایران - امریکا نیز بشود. البته بسیاری از آنها فکر نمی‌کردند که بوش هیچ‌گاه به ایران بپیاید و می‌گفتند شاید سفر رایس، وزیر امور خارجه امریکا، به ایران همانند سفر نیکسون نتایج مثبتی در بر داشته باشد.

من در این مورد با بسیاری از آنها صحبت کردم و بیشتر آنها با این امر موافق بودند. برخی از ایرانیان حاضر در کنفرانس می‌گفتند سفر رایس به ایران مشروط به قبول شرایط بی قید و شرطی از جانب امریکاست، در حالی که سایرین معتقد بودند نیازی به تعیین شرط و مشروط نیست زیرا این امر تنها موجب بدتر شدن اوضاع می‌گردد. برای بسیاری از آنها نحوه برخورد واشنگتن با ایران بسیار حساس و مهم بود.

البته همه می‌دانستند که بدون وجود یکسری پیش‌زمینه‌ها و اقدامات اولیه چنین پیشرفتی حاصل نمی‌شود. یکی از ایرانیان حاضر در جلسه پیشنهاد داد که رئیس‌جمهور آینده ایران (به احتمال زیاد رفسنجانی) در آغاز جلسه مجمع عمومی سازمان ملل که سپتامبر آینده برگزار می‌شود با رئیس‌جمهور بوش دیدار و گفت‌وگو کند. اگر شرایط خوب پیش برود، ممکن است بوش وی را به واشنگتن یا استراحتگاه خود در کروفرد (Crowford) نگذارد و صحبت کند.

برخی از آنها نیز معتقد بودند در صورت برقراری یکسری روابط فرهنگی و دیگر تبادل نظرها بین ایران و امریکا، امکان بهبود روابط میان این دو کشور وجود دارد. آنها گفتند در حال حاضر ایران تمامی تلاش خود را در این زمینه می‌کند. موسسه مطالعات دریای خزر و دیگر موسسات علمی ایران هر ساله چند تن از مقامات امریکایی را به ایران دعوت می‌کند، اما امریکایی‌ها شرایط ملاقات مقامات ایرانی از موسسات امریکایی را فراهم نمی‌کنند، در حالی که دعوت امریکا از ایرانیان بویژه روحانیون بسیار موثر خواهد بود. زیرا هر چه دو طرف بیشتر راه‌های مذاکره با یکدیگر را یاد بگیرند، بهتر می‌توانند یکدیگر را قانع کنند.

برداشت کلی من از مذاکراتم در ایران این است که بیشتر شخصیت‌های برجسته و پژوهشگران ایرانی نسبتاً احساساتی خصمانه نسبت به امریکا ندارند، بلکه به نوعی احساس نزدیکی و تفاهم با این کشور می‌کنند. اکثر آنها خواستار روابطی گسترده‌تر و روشن‌تر با امریکا هستند، اما انتظار دارند امریکا درخواست چنین روابطی را از ایران بکند. شاید خیلی‌ها در امریکا حاضر به انجام چنین کاری نباشند، لذا به نظر من با توجه به تمایل ایرانیان به شروع روابط شاید این پیشنهاد خیلی هم بد نباشد. حتی اشاراتی کوچک از طرف امریکا، اشتیاق بسیاری را در ایرانیان به وجود خواهد آورد و روابط گسترده با واشنگتن برقرار خواهند کرد، اما اگر چنین اتفاقی هم نیفتد، کمترین فایده‌اش این است که تهران و واشنگتن به شناختی بهتر از یکدیگر می‌رسند که ممکن است به ارتباطاتی روشن‌تر تبدیل شود. □

شهرت و مهر ۱۳۸۲

ایران